بسمه تعالی

سوره مبارکه بروج

پیاده نوار و تایپ: فاطمه سبکتکین

سوره بروج و طارق و چند سوره دیگر درباره آسمان و قرآن هستند.در واقع زنجیره ای از سوره هاست که از سوره تکویر آغاز شده و به سوره طارق ختم میشود.مثلا در سوره مطففین ابرار معرفی شده اند، در سوره انشقاق درباره آسمان و زمین سخن گفته شده است و.. در بین این سوره ها، سوره بروج حالت برج و وسطیت و نوعی تفوق دارد. در این سوره همه کسانی که به آزار مومنین میپردازند، اصحاب اخدود معرفی شده اند.سبک سوره به گونه ایست که ابتدا توصیفاتی را در باب یک موضوع ذکر کرده و بلافاصله آن را به حقایقی وسیعتر مربوط و متصل میکند. از دیگر ویژگیهای این سوره این است که بیشترین اسما حسنای الهی را در جز 30 داراست.

**نکات سوره**:

گویی آسمان دارای برج است.

در برج افراد روی زمین مشاهده میشوند.

آنچه در برج دیده میشود، در روز موعود نیز به نمایش گذاشته میشود.

بروج و شاهد با هم نسبتی معنادار دارند.

شاهدی در روز موعود شهادت میدهد.

بروج، محفوظ و تغییرناپذیر است.

افراد میتوانند به وجود بروج واقف شوند.

برج ناظر بر احاطه بر انسانها از محلی بالاست(شاهد،ناظر، احاطه)

انسان در طبع خود اقدام به برج سازی میکند، در این برج سازی تمایل دارد بر دیگران احاطه داشته باشد و آنها را از موقعیت برتر مشاهده کند تا بتواند بر آنها مسلط باشد.

انسان در وضع تکوینی خود بوسیله آسمان دارای برجها احاطه شده است و در اینصورت لازم است بداند، هر عملی یا هر باوری یا هر افکاری توسط برجی رصد میشود و آن برج ان را تصویربرداری کرده (شهادت) و در یوم موعود به نمایش میگذارد.

همه کلمات سوره مرتبط با برج است و در مختصات مختلفی نسبت به آن قرار میگیرند، مثلا مجید به کسی گفته میشود که بر همه چیز تفوق و تسلط دارد (در سوره توبه نیز قاعدین به کسانی گفته مبشود که شاهد آزار مومنین هستند ولی برنمی خیزند و اقدامی نمی کنند ).

اتهامی که در این سوره از جانب کافرین به مومنین وارد شده ، ایمان به عزیز حمید است.

جرم کافرین در ابن سوره به نقمت انداختن مومنین است. به نقمت انداختن به معنای دچار فتنه کردن (نقموا=فتنوا)

نقمت:ناخوشی، مواخذه، گرفتن آسایش، یعنی کاری میکنند که فرد نتواند سرش را بلند کند، فرد را از دید شاهد انداختن و آبرو بردن

فتنه: کاری کنند که داغ بر دل فرد بماند ، آتشی که روی قلب میگذارند که بسوزد. در واقع در معنای هر دو کلمه یک سیستم شهودی وجود دارد.

یک معنا بسترهای وقوع مختلفی دارد، مثلا واژه فتنه در اینجا به معنای اذیتهای شدید کشنده است و درجای دیگر به معنای آزمایش و چالش است.

انسان در دنیا فقط میتواند شاهد باشد و کاری از دستش بدنمی اید.

آیه 10 سوره را میتوان به امیدوارکننده تربن آیه قران تعبیر کرد چرا که بیان میکند انسان حتی اگر از اصحاب اخدود هم باشد، اگر توبه کند، خدا او را میبخشد.

هر برجی به یک بعد می نگرد، یکی به فعل و یکی به عمل..

همراستایی انسان منجر به هم فعلی میشود.

نظام فعل یک نظام رضایت است، به این معنا که اگر آب باشد، شناگر ماهریست.

مشهود کسانی هستند که مورد ستم واقع شده اند و خطاب آنها به مشهود از باب تکریم آنها بوده که مورد شهود واقع شده اند.

فی تکذیب: بستر را نشان میدهد، یعنی هر کاری میکند با تکذیب همراه است. یعنی حکم به همه چیز را رد میکند و هرچه خود بخواهد انجام میدهد، چنین انسانی حقوق دیگران را نمی بیند و مطفف میشود.

ود: به معنای تمایل است و محبت را پیوسته میکند، درواقع فتیله آن کم و زیاد نمیشود، به واسطه این پیوند حب ایجاد میشود، پس در زندگی مودت اصل است نه محبت.

آسمان طبقات و مراتب مختلفی دارد(سبع طرایق) که در همه مراتب آن برج وجود دارد که شاهد انسان است.

شهادت بعنوان نوعی علم در شناخت شناسی انسان است. مراحل این علم در سوره بروج ذکر شده است.

مجید بودن قرآن یعنی مقام شهادت دارد.

این سوره انسان را به محیط بودن و بلند مرتبه بودن خداوند واقف میکند.

اگر کسی تقوایش دایمی باشد، به مقام شهادت میرسد( از مخلصین باشد).

شاهد: احاطه دارد و باقی راه را همراه و همراستا با خود میکند.

برج: مقام تدبیر (گرداننده و همراستا کننده انسانها)

شهادت، علم همراه با تدبیر، تفوق و ثبوت است.

ویژگی شاهد این است که دستمان بهش نمیرسد، هرچه ما بالاتر برویم، او یک قدم از ما بالاتر است.

نتیجه شهادت، همراستایی با همه آثار وجودی مردان الهی است، گویا همه خوبیهای عالم را نزدخود میتوان جمع کرد.

آسمان مقامی بالاتر از برج است و بر آن محیط است، یعنی سما همان لوح محفوظ است که قرآن "فی" آن است.

**سیر سوره:**

در سوره بروج ابتدا یک سری حقایقی بیان میشود (مانند بروج، شاهد و مشهود و...)، سپس این حقایق روی یکسری اتفاقات سوار میشود (مثل اصحاب اخدود، فتنوا و...) ، بعد از آن مجددا حقایقی دیگر مطرح میشود (قوانین)، سپس اسما الهی ذکر شده و به تبیین موقعیت قرآن میپردازد(مجید، فی لوح محفوظ).

چرخه: حقایق>اتفاقات> قوانین یا حقایق> اسماالهی> موقعیت قرآن> غرض سوره> غرض تکمیلی

**غرض سوره:**

برای یافتن غرض سوره 2 راه وجود دارد:

1. استفاده از چرخه ذکر شده.

2.در یک منطقه از سوره زوم کرده و غرض را از آن استخراج کنیم، برای مثال استفاده از بخش اسما الهی در یافتن غرض:

ابدا و اعاده>فرایندسازی.

 بطش شدید: اعراض عده ای از انسانها از حقایق

غفور ودود: بر اثر غفران پیوند دهنده قلبها

عزیز حمید:غلبه ای فوق تصور که ستودنی است.

در همه این اسما، تفوق، بلندی، رفعت و مجد وجود دارد (عزیز حمید=مجید) و همگی اسما تدبیر هستند.

غرض سوره از این اسما:هر رخدادی درزندگی واقع شود، خارج از نظام تدبیر ربوبی نیست. در تدبیر ربوبی، مجد و شکوه الهی و مجد کتاب آسمانی و مجد رسول آن مشهود است. در هر لحظه تحت مراقبت و اتصال است .در هیچ لحظه قطعی در تجلی حق وجود ندارد.

نظام مدیریتی براساس این اسما:براساس هر اتفاقی، پاسخ مناسبی دارد که تخطی ندارد.

**غرض تکمیلی**:

برای یافتن غرض تکمیلی سوره باید غرض به دست آمده را در چرخه ذکرشده وارد کنیم تا غرض تکمیلی بدست بیاید، این سیکل را بارها و بارها میتوان تکرار کرد و غرضهای جدیدی را بدست آورد:

حقایق:در نظام تدبیر ربوبی آسمان دارای برج است، شاهد و مشهود وجود دارد، یوم موعود است: بستر تدبیر ربوبی از حیث شهادت

اتفاقات: تدبیر ربوبی منافاتی با تحت آزار قرار گرفتن مومنین ندارد: اتفاقات بستر تدبیر ربوبی اند از حیث وقوع

قوانین:قوانین تدبیر ربوبی در زندگی انسان

اسما تدبیر ربوبی

قرآن: بیان کننده تدبیر که همه مراتب قبل را در خود دارد ( در این سوره قرآن بعنوان بیان کننده بستر تدبیر ربوبی از حیث شهادت و از حیث وقوع و قوانین و تجلی اسما می باشد)

غرض تکمیلی: در این سوره، منظومه شهادت( شاهد و مشهود) تبیین شده است و نقش آن در باورمندی انسان تا سعادت بیان شده است.